

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه‌ی بحث گذشته

در جلسه گذشته نشان دادیم بسیاری از نکاتی که صاحب «المنتقى» ذیل نقد آیت‌الله خوئی بر محقق نائینی مطرح کرده است، در محلّ تحقیق اثر قاطع ندارد. محور صناعی بحث چنین است: نفسیت و غیریت، مجعول شرعی نیستند بلکه از کیفیات جعل‌اند؛ لذا مجرای اصول عملی واقع نمی‌شوند. اصل عملی (شرعی یا عقلی) تنها در جایی معنا دارد که پای مجعول در میان باشد؛ یا نفس حکم مجعول، یا مؤاخذه مترتب بر مخالفت آن. بنابراین «برائت از نفسیت/غیریت» موضوعاً بی‌محل و بی‌اثر است. در مقابل، محل صحیح رجوع به اصل، «تقیید صلاة به وضوء» است؛ تقیید حیثیتی وضعی و قابل جعل است و شک در لزوم آن، مجرای «اصالة البراءة عن التقیید» است که الزام زائد (لزوم اتیان صلاة بر وجه مقید) را برمی‌دارد و نتیجه الاطلاق را در جانب صلاة پدید می‌آورد. تحدید قاعده قبح عقاب بلا بیان و حدیث رفع به مؤاخذه مباحثی نیز موجه نیست؛ اطلاق عقل و نقل، مؤاخذه غیرمباحثی و تسبیح ناشی از ترک مقدمه را نیز دربر می‌گیرد. با این همه، ضابطه پابرجاست که اصل در عناوین انتزاعی نفسیت/غیریت جاری نمی‌شود. بر این مبنا، دعوای مبتنی بر تعارض «برائت از نفسیت» با «برائت از تقیید» صناعاً مخدوش‌اند؛ چون برائت اولی بی‌اثر است و صلاحیت معارضه ندارد. نتیجه در صورت نخست (تماثل الوجوبین) روشن است: تنها برائت از تقیید جاری و بی‌معارض است و مکلف در ترتیب امتثال مخیر می‌ماند. البته امام خمینی در همین صورت با صورت‌بندی علم اجمالی میان «وجوب نفسی وضوء» و «وجوب نفسی تقیید صلاة»، عدم انحلال را می‌پذیرد و به احتیاط (تقدیم وضوء و اتیان صلاة مقید) حکم می‌کند؛ اما این نتیجه از راهی جز تمسک به برائت در نفسیت/غیریت به‌دست می‌آید. جمع‌بندی: مختار ما در صورت نخست همسو با محقق نائینی است؛ محل اثر اصل، تقیید است و نتیجه، تخییر در ترتیب امتثال.

کلام مرحوم امام در صورت اول و نقد بر محقق نائینی

در صورت نخست، با فرض تماثل الوجوبین از حیث اطلاق و اشتراط، امام خمینی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه قائل به لزوم احتیاط‌اند و بدین‌وسیله با نتیجه‌گیری محقق نائینی مخالفت می‌نمایند. در این فرض، طرفان علم اجمالی عبارت‌اند از ۱- وجوب نفسی وضوء، ۲- تقیید صلاة به وضوء؛ و در عین حال، علم تفصیلی به طبیعی وجوب وضوء - اعم از نفسی و غیری - مفروض است. امام تصریح می‌کند این علم اجمالی به‌هیچ‌وجه منحل نمی‌شود و علم تفصیلی به طبیعی وجوب نیز موجب انحلال نیست، بلکه اگر چنین انحلالی پذیرفته شود، محذور لازم می‌آید.

صورت محل بحث: بعد از دخول وقت، می‌دانیم هم نماز واجب است و هم وضوء؛ ولی شک داریم وجوب وضوء نفسی است یا غیری. محقق نائینی گفته‌اند: شک برمی‌گردد به تقیید نماز به وضوء؛ این از صغریات «اقلّ و اکثر ارتباطی» است؛ پس اصالة البراءة نسبت به قید زائد (وضوء در متعلق نماز) جاری می‌شود و تقیید ثابت نیست. خود وضوء هم در هر حال واجب است (نفسی یا غیری)، پس باید انجام شود.

اشکال امام خمینی: اجرای برائت در جانب «تقیید نماز» جایز نیست؛ زیرا علم اجمالی داریم به یکی از دو امر: ۱- وجوب نفسی وضوء (یعنی احتمال دارد که صلاة بدون وضوء واجب باشد که این همان اقلّ است)، یا ۲- وجوب نماز مقید به وضوء

(یعنی اکثر). و علم تفصیلی به «وجوب وضو بما هو أعمّ (نفسی/غیری)» موجب انحلال آن علم اجمالی نیست؛ مگر به وجهی محال، همان‌گونه که خود محقق نائینی در باب اقلّ و اکثر ارتباطی و عدم جریان برائت عقلی به آن ملتزم شده است که علم به وجوب اقلّ، علم اجمالی به اقلّ و اکثر را منحل نمی‌کند.

توضیح تحلیلی اشکال امام

ترسیم علم اجمالی در این مقام: پس از دخول وقت، می‌دانیم نماز واجب است. می‌دانیم وضو هم واجب است، اما مردد بین نفسی و غیری. صورت‌بندی علمی درست از مساله اینکه یا وضو بنفسه واجب نفسی است، یا نماز مقید به وضو است (و در نتیجه وجوب وضو غیری می‌شود). این علم اجمالی، به‌نحو منجز است و اصول ترخیصی (برائت) را در هر دو طرف مانع می‌شود؛ چون اگر برائت در «تقیید نماز» جاری کنیم، لازمه‌اش ترخیص در یک طرف علم اجمالی است؛ و اگر در «نفسیت وضو» جاری کنیم، باز ترخیص طرف دیگر است. جمع این دو ترخیص ممنوع است.

چرا «علم تفصیلی به وجوب وضو» این علم اجمالی را منحل نمی‌کند؟

آنچه محقق نائینی برای تصحیح برائت می‌گفتند این بود: «اصل وجوب وضو معلوم است، پس در طرف وضو برائت نیست؛ تنها شک در تقیید نماز باقی می‌ماند و برائت در آن بی‌معارض جاری است.» امام می‌گوید: این همان خطایی است که در اقلّ و اکثر ارتباطی قبلاً ردّ شده است. توضیح آنکه علم تفصیلی ما نسبت به «وجوب وضو» در حقیقت مردد است بین لا بشرط (نفسی بودن وضو)، و بشرط شیء (غیری بودن وضو به واسطه تقیید نماز). این «علم تفصیلی» عین همان «علم اجمالی به دوران بین اقلّ و اکثر» است و نمی‌تواند موجب انحلال شود. به تعبیر محقق نائینی در بحث اقلّ و اکثر: تفصیل، عین اجمال است و انحلال به این وجه محال است. در نتیجه، علم اجمالی «نفسیت وضو/تقیید نماز» به قوت خود باقی است؛ پس برائت در تقیید جاری نمی‌شود.

امتیاز برجسته روش‌شناختی امام خمینی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه در تتبع و نقادی مبانی اعلام نجف است؛ با آن‌که شاگرد مستقیم محقق نائینی و محقق اصفهانی نبودند، آراء ایشان را به‌دقت می‌کاوند و در چارچوبی صناعی به محک نقد می‌زنند. در محلّ بحث ما، امام در صورت نخست - با فرض تماثل الوجوبین از حیث اطلاق و اشتراط - نتیجه احتیاط را اختیار می‌کنند و در نقد مختار محقق نائینی، به مبنای استحاله انحلال در اقلّ و اکثر ارتباطی تمسک می‌نمایند؛ مبنایی که خود ایشان نیز در فوائد الاصول تقریر کرده است.

نسبت این اشکال با مبنای محقق نائینی در اقلّ و اکثر ارتباطی

محقق نائینی در اقلّ و اکثر ارتباطی تصریح دارد: امتثال احتمالی کافی نیست و علم اجمالی منجز است؛ چون علم به وجوب اقلّ (با تردید بین لا بشرط/بشرط شیء) انحلال‌آور نیست. بنابراین، برائت عقلی جاری نیست؛ و «توسط در تنجیز» تنها با فرض جریان برائت شرعی در اکثر ممکن است. امام از همین مبنا استفاده می‌کند تا بگوید: در صورت اول بحث نفسیت/غیریت نیز، چون علم اجمالی بین «نفسیت وضو» و «تقیید نماز» برقرار است، برائت در تقیید جاری نیست و ادعای انحلال با «علم تفصیلی به وجوب وضو بما هو» پذیرفته نیست. ایشان می‌فرماید:

أما الأصل العمليّ، فقد قال بعض الأعظم فيه: إنّ الشكّ في الوجوب الغيريّ على أقسام.

الأوّل: إذا علم بوجوب الغير و الغيريّ من دون اشتراط وجوب الغير بشرط غير حاصل، كما إذا علم بعد الزوال بوجوب الوضوء والصلاة، و شكّ في وجوب الوضوء أنّه غيريّ أو نفسيّ، ففي هذا القسم يرجع الشكّ إلى تقیید الصلاة بالوضوء، فيكون مجرى البراءة، لكونه من صغريات الأقلّ و الأكثر الارتباطيين، و أمّا الوضوء فيجب على أيّ حال نفسياً كان أو غيراً [1].

و فيه إنّ إجراء البراءة في الصلاة غير جائز بعد العلم الإجماليّ بوجوب الوضوء نفسياً أو وجوب الصلاة المتقيّدة به، و العلم التفصيليّ بوجوب الوضوء الأعظم من النفسيّ و الغيريّ لا يوجب انحلاله إلّا على وجه محال كما اعترف به القائل في الأقلّ و الأكثر،

خلاصه کلام: می‌دانیم أحد الأمرین ثابت است قطعاً؛ 1- وجوب نفسی وضو و 2- وجوب نماز مقید به وضو. مدعای محقق نائینی این است که برائت در نفی تقیید جاری است و لذا وضو واجب است در هر حال. امام خمینی اشکال می‌کند که علم اجمالی میان 1 و 2 منجز است. پس برائت در هیچ‌یک از جاری نیست. «علم به وجوب وضو (نفسی/غیری)» مساوی است با همان علم اجمالی؛ و این علم اجمال منحل نمی‌شود. نتیجه عملی اینکه احتیاط لازم است، یعنی وضو باید مقدم بر نماز امتثال شود. امام با تکیه بر مبنای عدم جریان برائت عقلی در اقل و اکثر ارتباطی و عدم انحلال علم اجمالی با علم به وجوب اقل مختار خویش در ما نحن فیه را ثابت می‌کند.

کبرای عقلی اشتغال و امتناع انحلال در اقل و اکثر ارتباطی

محقق نائینی برای نفی انحلال در اقل و اکثر ارتباطی بر کبرای عقلی ابتناء می‌کند: «الاشتغال الیقینی یقتضی الفراغ الیقینی». هرگاه تکلیف قطعاً ثابت بود، امتثال احتمالی کافی نیست. تطبیق کبری روشن است: ذمه قطعاً به نماز مشغول است؛ شک در اینکه امتثال با «اقل» حاصل می‌شود یا متوقف بر «اکثر» است، به این معناست که با اتیان اقل، فراغ یقینی حاصل نمی‌شود؛ پس باید اکثر اتیان شود تا امتثال یقینی محقق گردد. بنابراین، ادعای انحلال علم اجمالی به «علم تفصیلی به اقل» و «شک بدوی در اکثر» و جریان برائت در اکثر، بی‌وجه است. فراتر از این، ایشان تصویر انحلال مزبور را «محال» می‌داند؛ زیرا لازمه‌اش آن است که «خود علم اجمالی سبب انحلال خویش» باشد؛ در حالی که انحلال، محتاج عامل بیرونی مستقل است. محقق نائینی می‌فرماید:

و العلم التفصیلی بوجود الأقل المرّد بین کونه لا بشرط أو بشرط شيء هو عين العلم الإجمالي بالتكليف المرّد بین الأقل و الأكثر و مثل هذا العلم التفصیلی لا یعقل أن یوجب الانحلال، لأنّه یلزم أن یكون العلم الإجمالي موجبا لانحلال نفسه. [4]

پاسخ به استحاله انحلال و صورت‌بندی معقول «علم تفصیلی به قدر متیقن»

نکته اول: محذور «انحلال از درون علم اجمالی» وارد است؛ اما راه صحیح، «تحلیل متعلق» و به‌کارگیری «اصل برائت در زائد» است، نه تحلیل نفس علم اجمالی. معلوم بالاجمال متضمن قدر مشترکی است که علم تفصیلی به آن حاصل است.

نکته دوم: «أصالة البراءة عن التقیید» به‌عنوان اصل نافی الزام زائد، عامل بیرونی معتبر برای اسقاط تنجیز طرف تقیید است. با نفی تقیید، دایره اشتغال به قدر متیقن تقلیل می‌یابد.

نکته سوم: قاعده «الاشتغال الیقینی یقتضی الفراغ الیقینی» پس از تنقیح موضوع، محفوظ است؛ زیرا پس از نفی تقیید، امتثال «اقل» عرفاً و عقلاً امتثال یقینی تکلیف محرز است.

نکته چهارم: بدین‌سان، انحلال محال (از درون علم اجمالی) جای خود را به «انحلال حکمی» می‌دهد که بر رکن بیرونی (اصل موضوعی) ایستاده است؛ بی‌آنکه گرفتار دور شود.

نتیجه: در صورت نخست، مجرای صحیح اصل، «تقیید» است و «أصالة البراءة عن التقیید» بلا معارض جریان دارد. نفسیت و غیریت از کیفیات جعل‌اند و مجرای اصول نیستند. پس نتیجه امتثالی، تخییر در ترتیب امتثال است. پاسخ صناعی ما ناظر به تفکیکی کلیدی است: محال، «انحلال از درون علم» است؛ اما «انحلال حکمی» معقول است و بر دو رکن می‌ایستد:

رکن نخست، «معلوم تفصیلی بالواقع» به قدر متیقن متعلق است. در دوران اقل و اکثر، اقل قدر مشترکی است که بحسب الواقع داخل در هر دو تقدیر است؛ لذا تکلیف نسبت به اقل، تفصیلاً و واقعاً ثابت است، نه آن‌که علم اجمالی مولّد علم تفصیلی

شده باشد.

رکن دوم، «اصل موضوعی نافی زائد» است؛ اگر زائد حیثیتی قابل جعل باشد (جزء/قید)، شک در آن، شک در الزام زائد است و براءت موضوعی نسبت به آن جاری می‌گردد (در مقام ما: «أصالة البراءة عن التقييد»). با نفی تقييد، دایره اشتغال به قدر متیقن تقلیل می‌یابد و اتیان اقل، امثال یقینی خواهد بود؛ بدین سان کبرای «الاشتغال الیقینی یقتضی الفراغ الیقینی» نیز محفوظ می‌ماند، زیرا فراغ یقینی نسبت به تکلیف محرز، پس از تنقیح موضوع حاصل است.

نتیجه آن که محذور محقق نائینی متوجه صورت خاصی است که انحلال از نفس علم ادعا شود؛ اما اگر معلوم تفصیلی بالواقع را از متن متعلق استیفا کنیم و زائد را با اصل موضوعی نفی نماییم، انحلال حکمی معقول است و دوری در کار نخواهد بود. بر این مبنا، هرچند مبنای امام در لزوم احتیاط قابل دفاع است، پذیرش «انحلال حکمی» در فرض تمام بودن اصل موضوعی نافی تقييد نیز صناعتاً موجه است؛ در صورت نخست، «أصالة البراءة عن التقييد» فی الجمله جاری و تخییر در ترتیب امثال مستقر خواهد شد.

تحقیق شهید صدر از کلام محقق نائینی

شهید صدر در صورت اول، نظر محقق نائینی را می‌پذیرد، اما با یک قید مهم: وحدت واقعه و عدم تکرار. در این فرض، اصالة البراءة نسبت به تقييد نماز به وضو بی معارض جاری می‌شود و اشکال تعارض دو براءت که آقای خوئی طرح کرد، در عمل شکل نمی‌گیرد؛ زیرا مکلف نمی‌تواند در یک رتبه به هر دو اصل مؤمن (براءت از تقييد و براءت از نفسیت وضو) استناد کند. این عدم امکان جمع، ملاک «انحلال حکمی» است. اما اگر واقعه تکرارپذیر باشد، علم اجمالی تدریجی منجز می‌شود و دیگر آن توجیه کار نمی‌کند.

بازسازی دقیق استدلال شهید صدر: وجوب نفسی نماز معلوم است. اصل تعلّق وجوب به وضو نیز معلوم است، اما نفسی/غیری بودن آن مردّد. شک در تقييد متعلق نماز به وضو است. در این فرض، دو اصل مؤمن قابل تصوّر: 1- براءت از تقييد نماز به وضو. 2- براءت از وجوب نفسی وضو. نکته محوری اینکه این دو براءت در «عرض واحد» قابل اتکا نیستند. براءت از تقييد، فقط در فرض «فعل ذات نماز» کارآمد است؛ یعنی وقتی می‌خواهی نماز را «بدون وضو» بیاوری، این براءت به تو امان می‌دهد که از ناحیه ترک قید (وضو) عقوبت نشوی. اگر اصلاً نماز را ترک کنی، که تکلیف نفسی نماز را ترک کرده‌ای و یقیناً مستحق عقوبتی، پس براءت از تقييد اساساً موضوع ندارد.

در همان فرض «فعل نماز» اما «بدون وضو»، براءت از نفسیت وضو جاری نمی‌شود؛ چون در این وضعیت، می‌دانی ترک وضو یک عقوبت «به‌طور قطع» در پی دارد؛ یا از باب وجوب نفسی وضو (اگر واقعاً نفسی باشد)، یا از باب ترک واجب مقید (اگر وضو غیری و قید نماز باشد). و نیز می‌دانی دو عقوبت توأمان در کار نیست (وضو نمی‌تواند هم‌زمان نفسی و غیری باشد). بنابراین، «ترک وضو» در این وضعیت قطعاً عقوبت دارد؛ براءت از نفسیت وضو در اینجا امان‌آور نیست، چون حتی اگر نفسیت را برداری، احتمال عقوبت از ناحیه تقييد باقی است، و اگر تقييد را برداری، احتمال عقوبت از ناحیه نفسیت باقی است؛ نمی‌توان در عرض واحد به هر دو براءت برای یک فعل اتکا کرد تا مجموعاً هیچ عقوبتی نماند. این همان ملاک «انحلال حکمی» در شبهات محصوره است: هرچند علم اجمالی سر جای خود هست، اما چون مکلف نمی‌تواند به همه اصول مؤمنه در اطراف، با هم تکیه کند، اصل در یک طرف «بی معارض» جاری می‌شود.

نتیجه در واقعه واحد: چون در موضوع براءت از تقييد (آوردن نماز بدون وضو)، براءت از نفسیت وضو کارا نیست، تنها اصل مؤمن باقیمانده براءت از تقييد است و آن هم بدون معارض جاری می‌شود. پس نتیجه موافق با محقق نائینی است، یعنی در واقعه واحد، براءت از تقييد نماز به وضو جاری و نماز بدون وضو (در مقام اصل عملی و در فرض فقدان دلیل لفظی خاص) کافی

است. اما اگر این وضعیت بارها تکرار شود (تعدد واقعه)، آنگاه علم اجمالی «تدریجی» شکل می‌گیرد و منجز می‌شود؛ زیرا مکلف می‌تواند به‌طور متناوب بخواهد یک‌بار به برائت از تقييد اتکا کند و بار دیگر به برائت از نفسيت وضو، که جمع این تمسک‌های متناوب، نهایتاً به مخالفت قطعی عملی منجر می‌شود. در این حالت، اصول مؤمنه در مجموع معارض می‌شوند و نوبت به احتیاط می‌رسد.

در واقعه واحد، مبنای محقق نائینی - به تقریر و تکمیل شهید صدر - تام است؛ «اصالة البراءة عن التقييد» بلا معارض جاری و انحلال حکمی محقق می‌شود؛ مکلف در تقدیم/تأخیر وضوء نسبت به صلاة مخیر است. در وقایع متعدده، امکان اثر عملی برای برائت از نفسيت (به‌عنوان نفی عقوبت زائد) وجود دارد و معارضه با برائت از تقييد می‌کند؛ مقتضای قاعده، در این صورت احتیاط است. با این حال، باید همواره ضابطه کلی «اصل فقط در مجعول جاری است» و تفاوت ظرف اجرا را ملحوظ داشت تا از خلط حیث‌ها و تعارض‌های پرهیز شود. شهید صدر در این زمینه می‌فرماید:

و الصحيح ما أفاده المحقق النائيني (قده) فيما إذا فرض وحدة الواقعة و عدم تكررها.

توضیح ذلك: ان أصالة البراءة عن التقييد مع أصالة البراءة عن وجوب الوضوء النفسي لا يمكن للمكلف الاستناد إليهما معاً، لأن البراءة عن التقييد تجري للتأمين عن العقوبة في فرض فعل ذات الصلاة لا في فرض تركها، وإلا كانت هذه العقوبة معلومة على كل حال، و في فرض فعل الصلاة لا تكون البراءة عن وجوب الوضوء جارية، لأنه في هذا الحال يعلم بأن في ترك الوضوء عقوبة واحدة على كل حال، اما من جهة وجوبه نفسياً أو من جهة وجوب التقييد به، كما يعلم بأنه ليس في تركه عقوبة أخرى زائدة، إذ لا يحتمل بحسب الفرض ان الوضوء واجب نفسي و غيري في آن واحد. و هذا هو ملاك للانحلال الحكمي في أطراف الشبهة المحصورة التي لا يمكن فيها للمكلف الاستناد إلى الأصول المؤمنة جميعاً في عرض واحد، و عليه فتجري البراءة عن وجوب التقييد بلا معارض، هذا إذا كانت الواقعة مرة واحدة و اما إذا كانت متكررة فسوف يتشكل علم إجمالي تدريجي منجز كما هو واضح.[5]

صورت نخست؛ جمع‌بندی و رأی مختار

فرض مسأله: تماثل الوجوبین از حیث اطلاق و اشتراط. اطراف علم اجمالی: 1- وجوب نفسی وضوء، 2- وجوب تقييد صلاة به وضوء. علم تفصیلی به طبیعی وجوب وضوء نیز مفروض است.

مجرای اصول: نفسيت و غیريت از کیفیات جعل‌اند و بما هما مجعول شرعی نیستند؛ لذا مجرای اصل عملی قرار نمی‌گیرند. مجرای صحیح، «تقييد صلاة به وضوء» است؛ شک در آن، شک در حیثیتی قابل جعل است و اصالة البراءة عن التقييد در آن جریان دارد.

آرای مطرح

قائلان به احتیاط: امام خمینی، محقق خوئی، آقای روحانی. کلام ایشان این است که به‌دلیل تعارض برائتین (برائت از تقييد در عرض برائت از نفسيت) و تساقط، و بقای علم اجمالی و عدم انحلال به ملاک کبرای اشتغال (الاشتغال اليقيني يقتضي الفراغ اليقيني)، اصل احتیاط جاری می‌شود.

قائلان به عدم لزوم احتیاط: محقق نائینی و شهید صدر. توجیه آنان این است که در واقعه واحد، تنها «برائت از تقييد» مجرا دارد و نفسيت مجرای اصل نیست. تعارض برائتین منعقد نیست (به‌ویژه با ضابطه «اختلاف ظرف اجرا» نزد شهید صدر)، و انحلال حکمی محقق است.

تحلیل صناعی: اصل فقط در مجعولات جریان دارد و «نفسیت/غیریت» به عنوان حیثیت‌های انتزاعی، اثر الزام‌آور مستقل ندارند تا اصل ترخیصی آن را بردارد. در مقابل، «تقیید» اثر شرعی مستقیم دارد (لزوم اتیان صلاة علی نحو المقید) و با برائت نفی می‌شود؛ این نفی اثر، اصل مثبت نیست، نظیر برائت در جزئیت و شرطیت. برائت از تقیید در ظرف فعل صلاة برای تأمین از الزام قید جاری است؛ «برائت از نفسیت» اگر هم به عنوان نفی عقوبت زائد تصویر شود، ظرفش ترک وضوء (در فرض ترک صلاة) است. وحدت مورد و زمان مخدوش است، پس تعارض منعقد نمی‌شود. علاوه بر این، نفسیت بما هی کیفیت جعل، فی الجملة خارج از مجاری اصل است.

پاسخ به کبرای اشتغال و دعوی عدم انحلال: انحلال محال، آن است که از درون علم اجمالی ساخته شود. اما در اینجا «انحلال حکمی» به رکن بیرونی حاصل می‌گردد، یعنی اصل موضوعی نافیه تقیید، دایره اشتغال را به قدر متیقن تقلیل می‌دهد؛ پس امتثال اقل پس از نفی قید، امتثال یقینی است و با «الاشتغال الیقینی یقتضی الفراغ الیقینی» تعارض ندارد.

نتیجه آنکه در واقعه واحده اصالة البراءة عن التقیید بلا معارض جاری است؛ قیدیت مشکوک رفع و نتیجه الاطلاق در جانب صلاة ثابت می‌شود. مکلف در ترتیب امتثال مخیر است که یا وضوء را مقدم بدارد و سپس صلاة را اتیان کند، یا ابتدا صلاة را بیاورد و آنگاه وضوء را. این نتیجه مبنی بر فرض تماثل و شک در اصل تقیید در مقام جعل است؛ نه در فرض احراز شرطیت شرعی وضوء در فقه فرعی. بنابراین، رأی مختار ما همسو با محقق نائینی و شهید صدر، در صورت نخست (واقعه واحده) تنها اصل مؤثر، «اصالة البراءة عن التقیید» است؛ نفسیت و غیریت مجرای اصل نیستند، تعارض برائتین منعقد نمی‌شود، و انحلال حکمی حاصل است. نتیجتاً احتیاط لازم نیست؛ هرچند الاحتیاط حسن علی کل حال، و تقدیم وضوء شایسته‌تر است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] - فوائد الأصول ۱: ۲۲۲-۲۲۳.
- [2] - نفس المصدر السابق ۴: ۱۵۹-۱۶۲.
- [3] - روح الله خمینی، مناهج الوصول إلى علم الأصول (قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵)، ج ۱، ۳۷۴-۳۷۵.
- [4] - محمدحسین نائینی، فوائد الأصول، با محمد علی کاظمی خراسانی (قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، ۱۳۷۶)، ج ۴، ۱۵۹.
- [5] - محمد باقر الصدر، بحوث في علم الأصول، با محمود هاشمی شاهرودی (قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، ۱۴۱۷)، ج ۲، ۲۲۶.

منابع

- الصدر، محمد باقر. بحوث في علم الأصول. با محمود هاشمی شاهرودی. ۷ ج. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، ۱۴۱۷.
- خمینی، روح الله. مناهج الوصول إلى علم الأصول. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵.
- نائینی، محمدحسین. فوائد الأصول. با محمد علی کاظمی خراسانی. ۴ ج. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، ۱۳۷۶.